**باسمه تعالی**

**شنبه: 16/2/1396**

**اصول / درس شماره 103**

**درس خارج اصول الفقه استاد سید محمد جواد شبیری**

**شمول اخبار من بلغ نسبت به خبرین متعارضین دالّ بر استحباب و کراهت**

سخن در اخبار من بلغ و شمول آن نسبت به خبر ضعیف دالّ بر کراهت بود. مرحله بحث در آن است که اگر یک خبر دال بر استحباب و دیگری دال بر کراهت باشد، اخبار من بلغ مثبت استحباب هستند یا شامل این موارد نمی شوند؟

مرحوم آقای صدر، کلام مرحوم آقای خویی را نقل می کنند و وارد نقد آن می شوند. ایشان در ابتدای نقد خویش، بحثی مبنایی را مطرح می کنند که از بحث مرحوم آقای خویی فراتر بوده و مناسب است آن بحث در آغاز بررسی شود.

**کلام شهید صدر در عدم شمول**

شهید صدر می فرماید: اخبار من بلغ، روایات دال بر استحباب که معارض با روایات دال بر کراهت است را شامل نمی شود حتی اگر قائل شویم اخبار من بلغ تنها اخبار دال بر استحباب را شامل است. ایشان عدم شمول اخبار من بلغ نسبت به خبر دالّ بر استحباب و خبر دالّ بر کراهت که با هم معارضه دارند را از باب موضوع و مقتضی نداشتن تصویر کرده نه آن که تعارض مانعی برای شمول باشد و نکته ای در اخبار من بلغ وجود دارد که باعث می شود اخبار دالّ بر استحباب که معارض با اخبار دالّ بر کراهت است را شامل نشود.

ایشان بیان می کند: «فا» تغریع در «من بلغه شیءٌ من الثواب علی عملٍ فعمله» دالّ بر معقول بودن تفریع عمل بر بلوغ ثواب است و چون ثواب بر عمل قربی مترتب می شود، باید عمل و آن ثواب موعود در رتبه سابقه بر عمل، قربی باشد. به این معنا که در رتبه سابق و قبل از ورود این اخبار، امکان تقرب به آن ثواب موعود وجود داشته باشد. بر همین اساس در جایی که روایتی دال بر استحباب و دیگری دال بر کراهت است و فرض این است که ترجیحی از ناحیه احتمال یا محتمل بین این دو روایت نیست، استحباب محتمل، صلاحیّت تحریک ندارد. زیرا نسبت مولی نسبت به فعل و ترک، علی حد سواء است و همانگونه که امکان دارد فعل برای تقرّب انجام شود، امکان دارد فعل نیز به جهت تقرّب ترک شود. بنابراین اگر یکی از دو طرف فعل یا ترک از جهت احتمال یا محتمل، ترجیحی نداشته باشد، اخبار من بلغ نمی تواند محرّک قربی باشد. بله در مواردی که یکی از دو طرف فعل یا ترک ترجیحی داشته باشد، در محرّک قربی بودن اخبار من بلغ، اشکالی وجود ندارد.[[1]](#footnote-1)

**بررسی کلام شهید صدر**

در مورد کلام شهید صدر باید چند مرحله بحث را پی گرفت. آیا «فا» تفریع شیء بر داعی است؟ ما در جلسات گذشته بیان کردیم، «فا» تفریع بر داعی نیست.

**عدم دلالت «فا» بر تفریع بر داعی تامّ**

 بحث دومی که باید بررسی شود، این است که بر فرض آن که «فا» تفریع بر داعی باشد، اما حتما تفریع بر علت تامه نیست و ممکن است جزء العله باشد. به نظر می رسد همین نکته سبب استظهار استحباب از اخبار من بلغ است و الّا اگر «فا» دالّ بر تفریع بر علت تامه بود، از این روایات استحباب خبر ضعیف، استفاده نمی شد. همانگونه که توضیح آن گذشت، شیئی که داعی تامه دارد، نمی تواند داعی دیگری داشته باشد و با فرض وجود داعی تام در رتبه سابق بر عمل، روایت نمی تواند دالّ بر استحباب باشد. زیرا استحباب برای جعل داعی است و در این فرض جعل داعی معقول نیست. مطابق این فرض، روایت تنها در مقام وعد خواهد بود.

پس تنها با این فرض که تفریع موجود در «فا» تفریع بر داعی تام و علت تامّه عمل نیست، می توان از روایت استحباب را استفاده کرد. با این بیان روشن شد، کلام شهید صدر تامّ نیست زیرا در فرضی که اخبار من بلغ شامل مکروهات نباشد - شهید صدر حتی در این فرض، اثبات استحباب را مورد مناقشه قرار داد - داعی بر انجام عمل مرکّب از نفس ثواب محتمل و ثواب قطعی موجود در اخبار من بلغ است و همین که اخبار من بلغ، جزئی از داعی باشد، در استظهار استحباب از آنها کفایت می کند.

این کلام شهید صدر که بیان کرد: تقرّب باید در رتبه سابق بر عمل امکان داشته باید، فرع بر دلالت «فا» بر علیّت تامه است که سخنی صحیح نبوده و خلف فرض اثبات استحباب به واسطه اخبار من بلغ است. از سویی دیگر، به نظر نیازی به طرح بحث تقرّب نیست زیرا سخن در داعویت است و تقریب اشکال به صورت: ظاهر تفریع وجود داعویت تامّه در رتبه سابق بر عمل است به علت توقّف حکم بر موضوع، متوجه این اشکال است که با این فرض دیگر نمی تواند اخبار من بلغ، داعویت داشته و از آن استحباب استفاده شود. در نتیجه مطابق مبانی شهید صدر بر فرض عدم شمول اخبار من بلغ نسبت به مکروهات، اخبار من بلغ می توانند استحباب عمل بالغ به خبر ضعیفی را که خبر ضعیف دیگر دالّ بر کراهت همان عمل است، اثبات کند.

**تحقیق در بحث بر مبنای وعد به ثواب**

همانگونه که در جلسات گذشته بیان شد، به نظر ما «فا» تنها دالّ بر اصل تفریع است نه تفریع بر علت تامه. اما قید «التماس ذلک الثواب» و مانند آن، ظهور در آن دارد که وعد مولوی به ثواب تنها در مواردی است که التماس ثواب محتمل علت تامّه بر عمل باشد و با فرض وجود علت تامه، دیگر روایت نمی تواند داعی بر عمل باشد. در نتیجه ما به این علت، ظهور اخبار من بلغ را در استحباب نپذیرفتیم.

به نظر می رسد بحث از شمول اخبار من بلغ نسبت به خبر ضعیف دالّ بر استحبابی که با خبر ضعیف دالّ بر کراهت تعارض دارد، حتی بر مبنای وعد بر ثواب نیز جاری است. مطابق این مبنا بیان می شود آیا اخبار من بلغ برای عمل به این خبر ضعیف معارض با خبر دیگر، وعده ثواب داده است؟

به نظر می رسد مطابق این مبنا، اخبار من بلغ شامل موارد مذکور نیست زیرا همانگونه تقریب شد، وعد به ثواب تنها در صورتی است که علت تامّه برای عمل، التماس ثواب محتمل باشد و با فرض تعارض دو خبر که یکی دالّ بر استحباب و دیگری دالّ بر کراهت است، بر فعل و ترک ثواب بیان شده و انتخاب فعل یا ترک حتما به ضمیمه دواعی خارجی دیگری اعم از دواعی قربی و غیر قربی خواهد بود.[[2]](#footnote-2) مطابق این فرض، دیگر علت تامّه بر فعل، ثواب محتمل نیست و از موضوع اخبار من بلغ خارج است. به عبارتی دیگر، مفروض آن است که هم بر فعل و هم بر ترک به واسطه خبر ضعیف، ثواب وعده داده شده و باز مفروض آن است که وعد به ثواب تنها در صورتی است که علّت تامه بر عمل، ثواب موعود در خبر ضعیف باشد، از سویی دیگر مفروض آن است که بین خبر ضعیف دالّ بر کراهت و خبر ضعیف دالّ بر استحباب، ترجیحی وجود ندارد. مطابق این سه فرض، علت تامه انتخاب فعل یا ترک، ثواب موعود نخواهد بود زیرا لازمه این سخن ترجیح بلا مرجّح است و هو باطل. پس اخبار من بلغ این موارد را نمی تواند شامل باشد.

**وجه عدم دلالت اخبار من بلغ بر استحباب**

در گذشته وجه عدم دلالت اخبار من بلغ بر استحباب را بیان کردیم. در اینجا با مقداری تفاوت که می تواند در بحثی که در آن هستیم تأثیر گذار باشد، وجه عدم دلالت را تقریب می کنیم.

بیان شد: در غالب روایات اخبار من بلغ چه روایات خاصه و چه عامه، قید «التماس ذلک الثواب» و مانند آن وجود دارد. این قید ظهور در علیت تامه دارد و این ظهور در علیت تامه با در مقام جعل داعی بودن روایت، تنافی دارد. برای تقریب این سخن دو مثال دیگر بیان شد. در برخی از روایات وارد شده است: «مَنْ تَرَکَ الْخَمْرَ صِیَانَةً لِنَفْسِهِ سَقَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنَ الرَّحِیقِ الْمَخْتُومِ.»[[3]](#footnote-3) که معنا ندارد روایت برای ترک خمر به جهت صیانت از نفس، جعل داعی کرده باشد. یا در روایات متعدّد وارد شده است که بر نیّت مجرّد ار عمل ثواب وجود دارد. آیا امکان دارد بیان شود این روایات در مقام جعل داعی بر نیّت بدون عمل هستند؟ به نظر می رسد اساسا نیّت مجرّد از عمل معقول نیست و از انسان متمشی نمی شود. به عبارتی دیگر داعی بر عمل صورت ذهنیه است و هر چند امکان دارد نیت در مقام خارج، مجرّد از عمل باشد اما ممکن نیست در صورت ذهنیه مجرّد از عمل باشد.[[4]](#footnote-4)

**اشکال: رفع ید از ظهور در علیّت تامه به قرینه جعل ثواب در روایت**

امکان دارد به تقریب پیش گفته بر عدم دلالت اخبار من بلغ، اشکال شود که هر چند «التماس ذلک الثواب» ظهور در علیّت تامه بودن دارد اما به قرینه جعل ثواب در خبر، از این ظهور رفع ید کرده و «التماس ذلک الثواب» را حمل بر جزء العله می کنیم و با همین بیان، می تواند در مقام جعل داعی بودن روایت و در نتیجه استحباب را اثبات کرد.

**پاسخ: جعل داعی بر موضوعی دیگر**

در پاسخ به این اشکال می توان گفت: هر چند جعل ثواب ظهور در جعل داعی دارد اما جعل داعی می تواند نسبت به موضوع دیگری باشد و لازم نیست حتما بر نفس موضوع خبر، جعل داعی شده باشد. در نتیجه معارضی برای ظهور «التماس ذلک الثواب» بر علیّت تامه بودن وجود ندارد و باز از روایت استحباب، استظهار نمی شود. همانگونه که بیان شد «من ترک الخمر صیانه لنفسه» موجب کشف استظهار بغض شدید شارع نسبت به خمر و در نتیجه ترک خمر در تمام حالات است و همین جعل ثواب برای ایجاد محرّکیت بر ترک خمر در تمام حالات است نه محرّک بر ترک خمر صیانه لنفسه. در مثال نیت نیز، جعل ثواب بر نیّت مجرّد از عمل برای جعل داعی بر اصل نیّت است نه جعل داعی بر نیّت مجرّد از عمل. در اخبار من بلغ نیز می توان گفت: جعل ثواب بر عمل به خبر ضعیف، به هدف جعل داعی بر عمل به سایر اوامر و روایات و به جهت تشدید محرّکیت در آنهاست. مکلّف زمانی که متوجه می شود شارع بر عمل مطابق خبر بالغ و ضعیف ثواب جعل کرده است، لطف و محبّت الهی را کشف می کند و همین موجب تشدید محرّکیت برای مکلّف بر عمل به سایر دستورات الهی است.

**اشکال: اقواییت ظهور در جعل داعی**

امکان دارد بیان شود: ظهور اخبار من بلغ در جعل داعی بر خود عمل به خبر ضعیف لو به قرینه روایاتی که قید «التماس ذلک الثواب» را ندارد، اقوی از ظهور «التماس ذلک الثواب» بر علیّت تامه است و همین موجب تقدیم این ظهور و حمل «التماس ذلک الثواب» بر علیّت ناقصه می شود. برای تقویت این ظهور می توان گفت: در علّت بودن «التماس ذلک الثواب» علت ناقصه بودن و جزء العلّه بودن کفایت می کند. بله این قید ظهور در این دارد که جزء العله دیگر خارج از محدوده روایت و هر علّتی نیست و این با ظهور جعل ثواب بر عمل در داعی بودن، تنافی ندارد زیرا جعل ثواب در مفاد همین خبر است و از آن خارج نیست. در نتیجه روایت مواردی که جزء العله عمل، ثواب موعود در خبر ضعیف و جزء دیگر آن ثواب قطعی موجود در اخبار من بلغ باشد را شامل است.

امکان دارد به بیانی دیگر به اشکال پاسخ داده شود. به این تقریب که: به قرینه ظهور روایت در محرکیّت و عدم ذکر «التماس ذلک الثواب» در روایات دیگر، «التماس ذلک الثواب» از باب مثال برای مطلق محرّک قربی است. امکان دارد مؤید دیگری بر مثال بودن «التماس ذلک الثواب» بیان شود که قطعا کسی که به خاطر حب خدا این شیء را انجام می دهد و احتمال ثواب او را تحریک نکرده و عباده الاحرار را انجام داده است، مستحقّ ثواب است و همین موجب استظهار عرفی مثالیت در «التماس ذلک الثواب» است.

به نظر می رسد این مقدار تقریب نیاز به مکملی دارد. زیرا در شمول روایت نسبت به مکلّفی که لولا ثواب موجود در اخبار من بلغ و ثواب محتمل در خبر ضعیف، نسبت به عمل تحریک می شود و عمل را انجام می دهد، سخنی نیست اما بحث ما در این مورد نیست زیرا عمده بحث در مورد شخصی است که عمل را تنها به داعی رسیدن به ثواب اخبار من بلغ، انجام داده باشد. پس باید در تقریب بیان گفت: از نظر عرفی از «التماس ذلک الثواب» استظهار می شود که این قید مثال برای مطلق داعی قربی حتی داعی قربی ناشی از اخبار من بلغ است. اگر این استظهار صحیح باشد، در عدم شمول اخبار دالّ بر استحباب معارض با خبر دالّ بر کراهت بر فرض عدم شمول اخبار کراهت که فرض مورد بحث در کلام شهید صدر است، وجهی وجود ندارد.

**تفاوت بین جزء المحرّک بودن ثواب و تمام العله بودن**

تا بدین جا دو تقریب در دلالت اخبار من بلغ بر استحباب بیان شد، در تفریب اول ثواب موعود در اخبار من بلغ به عنوان جزء المحرّک بیان شد و در تقریب دوم بیان گشت حتی در صورتی که ثواب موعود تمام العله نیز باشد، در مدلول اخبار من بلغ وارد است. تفاوت نتیجه این دو تقریب در آن است که در تقریب اول ثواب محتمل جزء دیگر علّت است و اخبار من بلغ شامل جایی که در تحریک مکلّف ثواب محتمل دخالتی ندارد، نمی شود اما در تقریب دوم، اخبار من بلغ شامل هر قصد قربتی است حتی قصد قربتی که ناشی از ثواب قطعی موجود در اخبار من بلغ بدون در نظر گرفتن ثواب محتمل، باشد. اما بنابر هر دو تقریب نمی توان خبر ضعیف دالّ بر استحباب که معارض با خبر ضعیف دالّ بر کراهت است را از روایت خارج کرد.

همانگونه که در اول مبحث نیز بیان شد، این بحث در فرضی است که ترجیحی از نظر احتمال یا محتمل بین خبر دالّ بر کراهت و استحباب وجود نداشته و گرنه خود شهید صدر نیز در فرض وجود ترجیح، ورود در اخبار من بلغ را پذیرفته است.

**کفایت قصد قربت بر جامع**

به تناسب اشاره به این نکته مناسب است که در مستحبّات متزاحمه ای که ضدّان لهام ثالث هستند، وجود قصد قربت بر جامع کفایت می کند و لازم نیست بر فرد نیز قصد قربت وجود داشته باشد. مثلا هم نماز برای پدر مستحب است و هم نماز برای مادر. در این مثال مکلّف در اصل نماز خواندن قصد قربت دارد اما در انتخاب پدر یا مادر، حتما قصد قربت ندارد. یا در اصل انفاق به فقیر، تقرّب وجود دارد اما در انتخاب فقیر تقرّب وجود نداشته و مثلا به عللی مانند خویشاوند بودن به فقیر خاصّی کمک می شود یا به عللی مانند بد رفتاری و بد اخلافی فقیری خاص، از انتخاب او امتناع می شود. در این مثال نیز تقرّب حاصل در جماع در قربی بودن عمل کفایت می کند.

این سخن در نقیضین یا ضدّین لا ثالث لهما که مورد بحث ما در تعارض استحباب و کراهت است، جاری نیست زیرا جامع بین نقیضین یا ضدّان لا ثالث لهما قهرا تحقّق یافته و به اراده نیست تا قصد قربت بر آن کفایت کند. پس باید بر فرد و انتخاب فرد قصد قربت وجود داشته باشد تا عمل قربی باشد. در نتیجه باید محرّک بر خصوصیت نیز محرّک الهی باشد و چون در فرضی که اخبار من بلغ شامل خبر دالّ بر کراهت و خبر دالّ بر استحباب است و ترجیحی نیز بین این دو وجود ندارد، محرّکیت قربی نسبت به فرد به نحو علّت تامه امکان ندارد، اخبار من بلغ شامل این موارد نیست.

**و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و ال محمد**

1. مباحث الأصول، ج‏3، ص: 539 [↑](#footnote-ref-1)
2. مثلا شخص به این علت که این کار را می پسندد انجام داده است. بله باید دقت داشت سخن در مواردی نیست که داعی ضمیمه شده داعی مخالف با قصد قربت باشد. [↑](#footnote-ref-2)
3. الكافي (ط - الإسلامية) ؛ ج‏6 ؛ ص430 [↑](#footnote-ref-3)
4. سوال: نیت مجرّد از عمل امکان دارد در ذهن تصویر شود. مثلا شخصی مال ندارد اما نیت دارد اگر مال داشت در راه خدا انفاق می کرد.

پاسخ: اولا این نیت، نیّتی تعلیقی است و بحث ما در نیّت فعلی است. ثانیا: این نیّت نیز نیّت همراه عمل است نه مجرّد از عمل تنها ظرف عمل همراه با ظرف نیّت نیست. [↑](#footnote-ref-4)